

## تحلیل پیدایش بانک در بازار تجاری ایران بر مبنای نظریه هزینه‌های معاملاتی

محمود باقری

دانشیار دانشکده حقوق و علوم و سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

mahbagheri@ut.ac.ir

علی احمدی

دانش‌آموخته حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

ali.ahmadi1095@ut.ac.ir

محمد صادقی

دکتری حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه - مرکز تدوین، تنقیح و تطبیق قوانین و مقررات بازار سرمایه

sadeqi67@gmail.com

فهم ضرورت تشکیل بانک در ایران متضمن درک صحیحی از سازوکار بازار پول در دورانی تاریخی است که بانک‌ها جایگاهی در آن نداشته‌اند. در آن زمان، بی‌اعتمادی به اعتبار فرض‌گیرنده، نداشتن اطلاعات موثق درباره تعداد و مکان قرض‌دهندگان، بالا رفتن نرخ بهره و شیوع استقراض با بهره‌های سنگین از جمله هزینه‌هایی بود که طرفین معامله با آن مواجه بوده‌اند. مطابق نظریه کاهش هزینه معاملاتی، راهکار باین آوردن هزینه‌ها در وضعیتی که بازار طبق سازوکار قیمت عمل می‌کند تشکیل شرکت است و شرکت‌های واسطه در بازار پول همان بانک‌ها هستند. با این تفسیر، به دلیل بالا بودن هزینه‌هایی که تجار و زعامداران دولتی ایران هم به آن معترف بوده‌اند، تشکیل بانک در بازار پول کشور برای تجارت و سودآوری امری ضروری بوده است که از دید تاجران و دولت‌های سودجو نیز دور نمانده و در کنار تمام امتیازات اخذ شده از دربار ایران، امتیاز تشکیل بانک نیز حائز توجه می‌باشد که با وجود اهمیت آن، مقتضیات شکل‌گیری‌اش به خوبی مدنظر واقع نشد و این ضرورت فدای امتیازخواهی بیگانگان گردید. در واقع از این جهت که بانک به‌عنوان یک کمپانی دو نوع هزینه معاملاتی در بازار پول را کاهش داد. این موارد عبارتند از: ۱) قبل از تأسیس بانک به دلیل فقدان یک واسطه قوی و مورد اعتماد، افراد هزینه‌های سنگینی را متحمل می‌شدند. ۲) بانک بماهو یک شرکت تجاری که واسطه‌ای خاص است، بسیاری از هزینه‌های معاملاتی واسطه‌گری فردی را حذف نموده و توزیع مناسبی از وجوه صورت می‌دهد، مواهب و مناسبات حقوقی مترتب بر آن در عنفوان شکل‌گیری مؤسسه بانکی در کشور فدای استمتاع بیگانگانی شده که در ورای ضعف و انحطاط سیاسی دولت وقت ایران جز درصدد دور نگه داشتن کشورمان از امور تجاری مولد و ظرفیت‌های واقعی بانک نبوده‌اند.

طبقه‌بندی JEL: D2, G28, G21, G2, E5

واژگان کلیدی: بازار پول، بازارهای بدون واسطه، بانک شاهنشاهی (شاهی)، هزینه معاملاتی، واسطه مبادله و پرداخت، بانک، شرکت تجاری

## ۱. مقدمه

جرقه و آغاز فعالیت بانک در بازار پول ایران نخستین بار بین سال‌های ۱۸۶۴ تا ۱۸۶۶ میلادی توسط بنگاه پارسی ارلانگه<sup>۱</sup> زده شد که با امتناع دولت ایران از ارائه تضمین مبنی بر مصونیت اندوخته‌های بانکی در مقابل اعمال دل‌خواهی مراجع قدرت، این مذاکرات بی‌سرانجام ماند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۵۴۱). چندین سال بعد، ناصرالدین شاه در جریان سفر خود به اروپا قراردادی با بارون جولوس رویتر امضاء کرد و در کنار سایر امتیازات اعطایی، حق تأسیس یک بانک بازرگانی ناشر اسکناس را نیز به رویتر اعطا نمود، اما بعد از بازگشت به ایران و تحت فشار روس‌ها ناچار به لغو آن قرارداد شد. پیشنهاد تشکیل بانک مختلط دولت و ملت نیز که در سال ۱۲۵۸ شمسی از جانب محمدحسن امین‌الضرب از بازرگانان سرشناس ایرانی مطرح گردید (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۶: ج ۲، ۶۰-۶۱)، مورد اقبال شاه واقع نشد و ناصرالدین شاه - به گفته امین‌الدوله - احداث بانک را در ایران به مثابه سمی کشنده می‌پنداشت (ر.ک: شاهدی، ۱۳۸۷: ۳۲) و پول کاغذی را اسباب فریب و کلاهبرداری می‌دانست و معتقد بود «مردم باید خیلی نادان باشند که کاغذ پاره‌های چرند را به جای نقره و طلا قبول کنند» (کرزن، ۱۳۷۳: ج ۱، ۶۱۹).

شرکت بانکداری شرقی که مرکز آن در لندن بود، نخستین شرکتی است که بدون کسب امتیازی خاص و در قالب یک شرکت سهامی در سال ۱۸۸۸ میلادی با تشکیل شعبی در شهرهای تهران، مشهد، تبریز، رشت، اصفهان و بوشهر اقدام به فعالیت بانکی در ایران نمود (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۶: ج ۲، ۷۶). یک سال بعد در نتیجه ادعای پسر رویتر نسبت به امتیازات گرفته شده در قرارداد یادشده، با پرداخت یک میلیون لیره و خرید سهام بانک شرقی، بانک شاهنشاهی ایران که شرکتی انگلیسی بود تأسیس شد. (زنگی‌آبادی و علی‌حسینی، ۱۳۸۹: ۲۱؛ ناطق، ۱۳۷۱: ۲۶) متعاقب تشکیل بانک شاهنشاهی با حق انحصاری بالغ بر شصت سال (Jones, 1987: 69) و در پی فشارهای دولت

روسیه، اجازه تأسیس بانک استقراضی روسیه<sup>۱</sup> نیز صادر گردید تا تعادل دو قدرت بزرگ در ایران حفظ گردد. تجربه و آگاهی قدرت‌های زمان از یک‌سو و خودباختگی دربار در مقابل بیگانگان از سوی دیگر سبب گردید تا پدیده بانکداری به شکل ناپسندی به بازار پول ایران تحمیل گردد و فعالیت دو بانک شاهی و بانک استقراضی روس همواره به‌عنوان پدیده‌ای استعماری و شوم دیده شود. بالتبع، در سایه سناریوهای سیاسی (ر.ک: فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۵۱-۱۵۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۳۰-۳۳۱؛ ناطق، ۱۳۷۱: ۲۵) باب تحلیل ضرورت تشکیل بانک و فواید مترتب بر آن بسته مانده و به اذعان برخی منابع سناریوهای پنهان مانده در ورای ضعف و انحطاط سیاسی دولت ایران در آن زمان نیز چیزی جز دور نگه داشتن کشورمان از مواهب امور تجاری مولد (تولید) و ظرفیت‌های واقعی مؤسسه بانکی نبوده است (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۵۲ و ۱۵۴).

با وجود جهات منفی، شواهد تاریخی گواه آن است که بازرگانان و برخی سران دولت ایران- از مزایای - بانکداری یا تجارت پول و نقش توسعه‌ای آن غافل نبوده و دغدغه تشکیل بانک یکی از موضوعات مهمی است که در آن دوران مطرح شده است (آدمیت، ۱۳۵۶: ۳۰۳). نامه امین‌الضرب به شاه و توصیف نقش پراهمیت بانک در آن نه تنها گواه آگاهی برخی فعالان بازار از ضرورت تشکیل بانک می‌باشد، بلکه بالا بودن هزینه‌های تجارت انفرادی در ایران را نیز به خوبی نشان می‌دهد. امین‌الضرب در نامه‌اش به ناصرالدین شاه ضمن اشاره به پراکندگی سرمایه در بازار آن زمان می‌نویسد: «عمده چیزی که اسباب ترقی فرنگستان شده، برپا کردن بانک است. اول قرار بانک را دادند، پول مردم که در بانک جمع شده است، از اعتبار بانک و پول کارهای بسیار بزرگ صورت داده‌اند» (شاهدی، ۱۳۸۷: ۲۴؛ معتضد، ۱۳۶۶: ۵۰۸-۵۱۰). او با اشاره به تجمع سرمایه‌های خرد و به کارگیری آن در صنعت، مواردی مانند احداث راه آهن و سیم‌کشی تلگراف در فرنگ را مثال‌هایی از نقش بانک در تأمین مالی دانسته و سپس در تشریح معضل پنهان بودن سرمایه می‌نویسد: «حتی بیوه زنان ایران هم که هر کدام ده مثقال طلا یا نقره داشته باشند پول می‌کنند و به بانک می‌دهند» (شاهدی،

۱. با توجه به امتیاز انحصاری بانک شاهی - به‌منظور پوشاندن جنبه رقابتی و به‌نحوی که ورود به موضوعی که در انحصار بانک شاهی بود تلقی نشود- برای انجام فعالیت‌های بانکی طرف روسی از عنوان انجمن استقراضی ایران استفاده شد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۶: ج ۲، ۱۰۰-۹۹)

۱۳۸۷: ۲۴). از این جهت، می‌توان گفت پراکندگی و پنهان بودن سرمایه، هزینه‌های تجارت را تا حدی بالا برده بود که تاجری مانند امین‌الضرب را به این صرافت واداشت تا در نامه خود به شاه خواستار صدور فرمانی لازم‌الاتباع مبنی بر تشکیل بانک دولتی با همکاری و مباشرت تجار گردد و از وی بخواهد با اعلام این امر که «قرض بانک قرض دولت، و طلب بانک طلب دولت است...»، (همان) اطمینان عمومی را برای سپرده‌گذاری جلب نماید.

به هر حال، صرف نظر از نحوه تشکیل بانک در ایران در اثنای دخالت خارجیان، نتیجه اقدامات رخ داده چنین شد که در عین ناخرسندی بازرگانان وقت از بانک شاهی و برتافتن آن - در حالی که این مخالفت ضرورتاً منحصر در انگیزه‌های رقابتی یا ملی‌گرایانه صرف نبود - (ک: ناطق، ۱۳۷۱: ۳۳-۳۲؛ شاهدی، ۱۳۸۷: ۲۶۵)، از جهاتی منجر به خارج شدن اهداف مؤسسه بانکی از مسیر اصلی خود و نهایتاً مخالفت عمومی و الغای (شکست) فعالیت‌های آن گردید که فی‌الجمله از عدم تأثیر مستقیم بانک شاهنشاهی و سیاست‌های آن بر بهبود امور اقتصادی کشور میزبان (ایران) نشأت می‌گرفت (Jones, 1987: 74-76؛ کرزن، ۱۳۷۳: ج ۱، ۶۲۳-۶۲۵). لذا، آنچه اهمیت داشته و موضوع این نوشتار است، تحلیل حقوقی جرایمی و ضرورت تشکیل بانک در دوران مذکور و نقش آن در بازار پول ایران از حیث هزینه‌های معاملاتی و مبادلاتی است. با این توصیف، سعی خواهد شد ذیل دو مبحث نقش هزینه‌های مبادلاتی در ضرورت تشکیل بانک در ایران - با دلالت تحلیلی و رویکرد مبتنی بر حقوق اقتصادی - مورد بررسی قرار گیرد. لذا در نخستین بحث مفهوم بازار پول بدون واسطه و هزینه‌های مرتبط با آن و همچنین، ضرورت تشکیل بانک مطابق نظریه هزینه معاملاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بحث دوم به موضوع تحلیل پیدایش بانک در بازار پول ایران براساس نظریه مذکور و هزینه‌های موجود در آن می‌پردازیم.

## ۲. بازار پول و هزینه‌های موجود در آن

### ۲-۱. مفهوم و منزلت بازار پول

مشهور است که پیش از پیدایش مفهوم پول و ظهور نهاد شخصیت حقوقی، دادوستد میان افراد براساس مبادله کالاهای مازاد با کالاهای مورد نیاز شکل می‌گرفت. تداوم این روند و بروز دشواری‌های متعدد در پیدا کردن اشخاصی که همزمان کالای اضافی آن‌ها با کالای مورد نیاز دیگران انطباق داشته باشد، افراد را به این وامی‌داشت تا کالاهایی که از تقاضا و عرضه بیشتری برخوردار بودند را به‌عنوان کالای واسطه پذیرفته و از این نوع کالاها در دادوستدهای خود استفاده نمایند.

پیدایش مشکلاتی مانند فسادپذیری، تقسیم‌ناپذیری و فراوانی برای کالاهای واسطه‌ای سبب گردید تا افراد در تعیین کالای واسطه حساس‌تر شده و بیشتر کالاهایی را بدین منظور برگزینند که علاوه بر تقاضا و عرضه بالا، تقسیم‌پذیر،<sup>۱</sup> بادوام،<sup>۲</sup> کمیاب<sup>۳</sup> و قابل حمل<sup>۴</sup> باشند. کاربرد هر یک از این ویژگی‌ها در آن بود که برخی کالاها را از قلمرو کالای واسطه خارج می‌کرد. برای مثال، مطابق ویژگی تقسیم‌پذیری املاک از زمره کالاهای واسطه‌ای حذف شد چراکه کالای واسطه باید قدرت خرید و دستیابی به انواع کالاهای با ارزش و کم ارزش را ممکن سازد. پس اگر کالایی، دارای ارزش بالایی بوده و امکان تقسیم آن به واحدهای کوچکتر ممکن نباشد، آن کالا قابل معاوضه با کالاهای کم‌ارزش‌تر نیست و نمی‌توان از آن به‌عنوان واسطه پرداخت استفاده کرد. ویژگی کمیابی نیز با این رویکرد که اشیاء با فراوانی بالا در طول زمان قدرت خرید و مبادله خود را از دست خواهند داد، سبب انتخاب کالاهایی شد که کمیاب و نادر بودند. چنین رویکردی به مرور کالای واسطه را به فلزات گران‌بها محصور نمود و این فلزات نقش واسطه مبادلاتی<sup>۵</sup> را در زندگی روزمره ایفاء نمودند و این امر موجب پیدایش مفهومی به‌عنوان پول گردید (Gerdes, 2014: 3-4).

- 
1. Divisible
  2. Durable
  3. Scarce
  4. Portable
  5. Medium of exchange

در دوران آغازین ابداع پول، کارکرد اصلی آن حذف مبادلات کالا به کالا (پایاپای) و ایجاد معیاری برای سنجش ارزش (واحد محاسبه)<sup>۱</sup> کالاهای مختلف بود. اما به تدریج این ارزش سنجی سبب شد تا اشخاص برای حفظ ارزش دارایی‌های خود تلاش کرده و از آن به‌عنوان ابزاری برای ذخیره ارزش<sup>۲</sup> و پرداخت‌های معوق<sup>۳</sup> نیز استفاده کنند. در نتیجه این کارکردها، تمایل به تبدیل دارایی به پول میان اشخاص قوت گرفت و از آنجایی که ذخیره پول سرعت تهیه کالاهای مورد نیاز در آینده را افزایش می‌داد، انگیزه جمع‌آوری و پس‌انداز آن قوت می‌گرفت. این موضوع با توجه به ویژگی کمیابی پول منجر به کاهش میزان پول و ایجاد تقاضا برای آن گردید (Gerdes, 2014: 6). تقاضای پول و محدودیت عرضه آن، کارکرد دیگری را برای آن به وجود آورد و ذخیره کنندگان پول را به عرضه آن به قصد سودآوری و کسب پول بیشتر متمایل کرد. وجود عرضه و تقاضا برای پول و امکان سودآوری از عرضه آن منجر به تشکیل بازار پول و سرمایه گردید. در این بازار نیز مانند بازارهای دیگر، پول همچون کالایی مورد مبادله واقع می‌گردد و میزان اضافه‌ای که طرف تقاضا هنگام بازگرداندن پول می‌بایست به طرف عرضه می‌داد (نرخ بهره یا سود در بازار سرمایه)، ارزش پول را در بازار معین می‌نمود.

پیش از تشکیل چرخه عرضه و تقاضای پول، اشخاص یا پول را به قصد حفظ ارزش دارایی ذخیره می‌کردند یا اگر قصد انتفاع داشتند، می‌بایست آن را شخصاً در جریان تجارت به کار می‌بستند. اما با تشکیل بازار پول، مفهوم جدید کسب منفعت از پول و سرمایه یا همان سرمایه‌گذاری<sup>۴</sup> در تجارت دیگران نیز پدیدار شد که با پس‌انداز محض<sup>۵</sup> تفاوت دارد.

در واقع می‌توان چنین گفت که پس‌اندازکننده، دارنده پولی است که ضمن قصد حفظ ارزش دارایی خود، تمایلی در ورود به بازار تجاری و پذیرش ریسک‌های آن ندارد، اما سرمایه‌گذار شخصی است که با تحمل ریسک فعالیت‌های تجاری در پی کسب سود و منفعت است. با این

- 
1. Unit of account
  2. Store of value
  3. Standard of deferred payment
  4. Investment
  5. Saving

تفکیک، پس انداز کنندگان، سرمایه گذاران و افرادی که پول را برای رفع حوائج اولیه و شخصی خود نیاز دارند، تشکیل دهندگان فعال بازار پول قلمداد می‌شوند که با یکدیگر تعاملی سه جانبه دارند. از طرفی، فعالان بازار پول نیز مانند سایر بازارهای دیگر برای دستیابی به خواسته خویش می‌بایست طرف مناسب عرضه یا تقاضای خود را یافته و با او وارد معامله گردند. برای مثال پس انداز کننده‌ای که قصد دارد پول و سرمایه مازاد خود را به اشخاص دیگر داده و از این طریق منفعت و سودی کسب نماید، باید برای پیدا کردن شخص متقاضی پول و همچنین، انعقاد قرارداد با وی هزینه‌هایی را متحمل گردد. لذا می‌توان گفت، شناسایی و تحلیل این هزینه‌ها در کارآیی بازار پول و شناخت بهتر پیدایش بانک در بازار تجاری ایران و وضعیت گذشته آن - که بستر اکنون است - نقش مهمی دارد.

## ۲-۲. هزینه‌های مبادلاتی موجود در بازارهای پول بدون واسطه

بازار پول بدون واسطه که مبادلات در آن بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضای مستقیم انجام می‌گیرد، اگرچه منصرف از الزامات خاص سیستم و ساختار بانکی است (باقری و صادقی، ۱۴۰۰: ۹)، اما مبتنی بر مبادلات و روابط معاملاتی متعدد، پراکنده و البته خردی است که تکثیر آن هزینه‌های گوناگونی را بر طرفین رابطه تحمیل می‌نماید. در مباحث پیش روی حسب ضرورت برخی از اقسام این هزینه‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهیم.

### ۱-۲-۲. نظریه کاهش هزینه مبادلاتی<sup>۱</sup>

نظریه کاهش هزینه مبادلاتی را رونالد کوز<sup>۲</sup> در مقاله «ماهیت شرکت» مطرح کرده است. از دیدگاه کوز، انجام یک معامله در فضای عرضه و تقاضا مستلزم تحمیل هزینه‌های مختلفی بر طرفین قرارداد است. مطابق نظریه مذکور، انجام مبادله توسط افراد بر اساس مکانیزم قیمت‌ها یعنی تعیین قیمت از طریق تعامل عرضه و تقاضا دارای هزینه است و هر بار که شخصی به منظور خرید یا فروش کالای مدنظر خود سعی می‌نماید مبادله‌ای را انجام دهد باید هزینه‌هایی مانند پیدا کردن اشخاص متقاضی،

1. Transaction cost theory  
2. Coase

انتخاب شخص مناسب از میان متقاضیان، هزینه مذاکره و انعقاد قرارداد، هزینه مکتوب یا رسمی کردن قرارداد، هزینه اجرای مبادله و نیز هزینه‌هایی را به‌منظور جابجایی و انتقال موضوع مبادله متحمل گردد (Coase, 1937: 386-405) از این حیث، با امعان نظر به این واقعیت که گاهی اطلاعات در خصوص هزینه‌ها کامل نیست و همواره نمی‌توان تصمیمات را بر پایه اطلاعات هزینه‌ای متقنی برپا نمود یا تمامی اتفاق‌ها و احتمالات متناظر با آن را دقیقاً ملاحظه و محاسبه کرد (نصیری اقدم، ۱۳۸۵: ۳۶۹)، مراد از هزینه‌های مبادلاتی طیف عام و وسیعی از مفهوم مزبور است که هرگونه هزینه در جریان معامله و ایفای تعهدات؛ اعم از هزینه مذاکره، چانه‌زنی درباره شروط قراردادی، کسب اطلاعات و مبادله موضوع توافق، هزینه اجرای تعهدات و حتی هزینه‌هایی که در جهت رفع موانع حقوقی و قانونی محتمل است را شامل می‌گردد. مجموع این هزینه‌ها، حداکثرسازی منفعت را دنبال می‌نماید (رنانی، ۱۳۸۴: ۳۲۷-۳۲۸؛ باقری و شیخ سیاہ، ۱۳۸۹: ۳۱؛ سیداحمدی سجادی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

هرچند دستیابی به منافع مبادله بدون هزینه نیست و انجام هر مبادله بازاری مستلزم صرف هزینه است (نصیری اقدم، ۱۳۸۵: ۳۷۰)، اما در چنین فضایی، افراد در مقام فروکاهیدن هزینه‌های متعدد ناچارند به‌منظور انجام مبادلات خود به یکی از دو شیوه انعقاد قراردادهای متعدد و کوتاه‌مدت یا انعقاد قراردادهای بلندمدت روی آورند. در خصوص هریک از دو شیوه اشاره شده نیز ایراداتی وجود دارد. برای مثال، انعقاد چند باره قراردادهای کوتاه‌مدت مستلزم پرداخت هزینه‌هایی مانند هزینه مذاکره یا تدارک محل و متعلقات انعقاد می‌باشد. از سوی دیگر، تمسک به قراردادهای بلندمدت به‌منظور کاهش هزینه‌های مذکور با ریسک دشواری پیش‌بینی اوضاع و احوال در آینده و اقدامات طرف مقابل مواجه است. در واقع، هرچه مدت قراردادی طولانی‌تر گردد، تعیین و اعمال تمایلات آتی طرفین در استمرار انجام تعهدات یا تخلف از آن‌ها دشوارتر خواهد شد. در چنین مواردی اصولاً قراردادها به‌صورت کلی منعقد گردیده و با درج شروط محدود کننده، سعی در کنترل موارد احتمالی نقض تعهدات می‌گردد (Coase, 1937: 386-405). به عبارت دیگر،

جایگزین ساختن یک قرارداد به جای قراردادهای روزانه، هفتگی یا ماهانه‌ای که قابل انعقاد است، بسیاری از هزینه‌های مذاکره‌ای و تنظیم قرارداد را تقلیل می‌دهد (طوسی، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

از دیدگاه کوز و وفق نظریه کاهش هزینه مبادلاتی، تجمیع قراردادهای خرد و احاله مدیریت و ساماندهی آن‌ها به شخص واحد، راهکار مناسب‌تری برای مدیریت منابع و ذخیره هزینه‌ها می‌باشد. کوز معتقد است وقتی مدیریت منابع با توجه به محدودیت‌های قراردادی در اختیار عرضه‌کننده باشد، این امر می‌تواند منجر به تشکیل شرکت گردد. در واقع می‌توان چنین پنداشت که عرضه‌کننده برای مدیریت منابع، قراردادهای مختلفی را با اشخاص متفاوت منعقد می‌نماید. در چنین حالتی او می‌بایست اقدامات خود را با هزینه‌ای کمتر از مبادلات بازاری انجام دهد، زیرا در صورت بالاتر یا برابر بودن هزینه‌ها امکان رجوع سایر خریداران به بازار وجود دارد. لذا عرضه‌کننده سعی خواهد نمود با ایجاد رابطه استخدامی بین خود و ارائه دهندگان کالاها و خدمات موضوع قراردادهای جزء، تا حد ممکن هزینه‌ها را پایین آورد. از سوی دیگر، بسیاری از افراد نیز به دلیل ریسک عدم خرید تولیدات و یا بالا بودن هزینه‌های تولید، به وجود چنین رابطه استخدامی و دریافت دستمزد بدون هزینه تمایل دارند. بنابراین نامطلوب بودن قراردادهای کوتاه‌مدت سبب تشکیل شرکت می‌گردد. به اعتقاد او، تشکیل یک سازمان و اجازه مدیریت منابع به یک قدرت (صاحب شرکت) سبب ذخیره هزینه‌های بازاری<sup>۱</sup> مشخصی می‌گردد. اگرچه با وجود شرکت نیز قراردادها به کلی حذف نمی‌گردند، اما تعداد آن‌ها به شدت کاهش می‌یابد. وقتی شرکت وجود دارد، عامل تولید یا خدمات مجبور به انعقاد مجموعه‌ای از قراردادها با همکاران خود (در شرکت) نمی‌باشد. در حالی که اگر این همکاری در مکانیزم قیمت‌ها اتفاق می‌افتاد، انعقاد قراردادهای جداگانه ضروری بود. در حقیقت شرکت از یک سو، جایگزین تعدادی قرارداد منعقد شده میان اشخاص مختلف برای تهیه کالا یا خدمت می‌باشد و از سوی دیگر به منظور اجتناب افراد از رجوع به مکانیزم قیمت‌ها ناچار به عرضه خدمات یا کالاها با هزینه‌هایی پایین‌تر است. بنابراین، اگر به تعدد و تکرار روابط و قراردادهای خرد و البته تعداد زیاد روابطی که نهاد شرکت جایگزین آن‌ها شده و هزینه‌های پراکنده مترتب بر آن‌ها را تجمیع و تفریق نموده هم توجه شود، قابل احراز خواهد بود که فقدان سازوکاری به‌مثابه بنگاه

(شرکت) و سلسله مراتب مبنی بر آن، هر آینه بر زیاد بودن مبادلات و مخارج مکرر، میزان نقص قرارداد، فرصت‌طلبی سودجویان از آن و بالاتر رفتن هزینه‌ها اثرگذار است (نصیری اقدم، ۱۳۸۵: ۳۷۰ و ۳۷۹). لذا، از رهگذر تشکیل شرکت که تکیه بر صرفه‌جویی اقتصادی دارد (سیداحمدی سجادی، ۱۳۸۷: ۱۰۳)، دو هزینه عمده یعنی هزینه‌های انعقاد قراردادهای متعدد و هزینه تهیه کالا با قیمت بالا کاهش یافته و مبادلات با هزینه‌های کمتری انجام می‌شود (Coase, 1937: 386-405).

## ۲-۲-۲. انواع هزینه مبادلاتی در بازار پول

به‌طور کلی، یک رابطه مبادلاتی منجر به مجموعه‌ای از معاملات و هزینه‌هایی شامل انتقال دارایی می‌گردد (Fama, 1980: 42) با توجه به این موضوع، می‌توان هزینه‌های موجود در بازار پول بدون واسطه که مبادلات در آن براساس مکانیزم قیمت یا همان عرضه و تقاضای مستقیم انجام می‌گیرد را به سه گروه عمده هزینه اطلاعات<sup>۱</sup>، هزینه نگهداری<sup>۲</sup> و حمل و نقل<sup>۳</sup>، و هزینه تبدیل دارایی تقسیم نمود.

### الف) هزینه اطلاعات

در هر بازار بدون واسطه، متقاضی مبادله ناگزیر از پیدا کردن طرف معامله می‌باشد. با امعان نظر به جهات متشکل و رسمی ناشی از تحولات سازوکار بانکی که از بدو پیدایش تا کنون در حال تغییر بوده و همچنان بنای تحول دارد (باقری و صادقی، ۱۴۰۰: ۹-۴)، فعالیت در بازار پول و سرمایه نیز به‌عنوان نوع خاصی از بازار از این قاعده مستثنی نیست و مسأله اطلاعات ناقص و نامتقارن بودن اطلاعات (یکسان نبودن اطلاعات طرفین رابطه حقوقی درباره موضوع قرارداد) به هر حال شکل خاصی از هزینه مبادلاتی است (رنانی، ۱۳۸۴: ۳۳۲). برای نمونه، قرض پول در بازار هزینه‌هایی را بر وام‌گیرنده و وام‌دهنده تحمیل می‌کند (Woodward, 1988: 686-687).

وام‌دهندگان به‌منظور اطمینان از بازگشت وام باید اطلاعاتی برای ارزیابی و نظارت بر قرض‌گیرنده داشته باشند تا در انتخاب قرض‌گیرنده دچار کژگزینی (انتخاب نامناسب)<sup>۴</sup> نگردند.

1. Information costs
2. Storing costs
3. Transportation costs
4. Adverse selection

دستیابی به چنین اطلاعاتی - در صورت ممکن بودن - برای وام‌دهنده، مستلزم صرف هزینه است. همچنین اگر تعداد وام‌دهندگان خرد در بازار زیاد باشد، ممکن است برخی بدون تحمل هزینه‌های مذکور از اطلاعات کسب شده توسط سایرین به‌طور مجانی بهره‌مند گردند.<sup>۱</sup> بی‌گمان وام‌دهندگان در صدد جبران هزینه تحصیل اطلاعات بوده و با افزایش نرخ بهره سعی در جبران این هزینه‌ها می‌نمایند. از سوی دیگر، وام‌گیرنده نیز برای پیدا کردن وام‌دهنده متحمل هزینه کسب اطلاعات می‌گردد. این هزینه موجب بالا رفتن نرخ بهره و به تبع آن سبب گران شدن قرض و استقراض در بازار گردیده و بازار پول را با ریسک عدم تأدیه وام (عدم ایفای تعهد) توسط وام‌گیرنده یا همان ریسک نکول مواجه می‌نماید.

### ب) هزینه نگهداری و انتقال

هزینه دیگری که در بازار پول برای اشخاص متصور و در کاهش تعداد و سرعت معاملات در بازار آن دوره نیز مؤثر بوده، هزینه نگهداری از پول می‌باشد. همان‌طور که گفته شد، افراد پول را برای حفظ ارزش دارایی و دستیابی به قدرت خرید جمع‌آوری می‌نمودند، نگهداری از وجوه جمع‌آوری شده به‌منظور احتراز از خطرات احتمالی مانند سرقت - عمدتاً به روش‌های سنتی مانند دفن کردن در زمین یا اختفاء در دیوار - صورت می‌گرفته است. اثر مستقیم این پنهان ماندن وجوه بر بازار پول، کمیابی و عدم توازن میان عرضه و تقاضا بوده که ناگزیر منجر به افزایش بهای پول و کندی سرعت معاملات می‌شده است. از سوی دیگر جابجایی و حمل و نقل پول از نقطه‌ای به نقطه دیگر برای بازرگانان همواره دارای خطرات بسیاری بوده است. (کرزن، ۱۳۷۳: ج ۱، ۶۱۳-۶۱۴) علاوه بر هزینه‌های گراف نقل و انتقال فیزیکی دارایی‌ها، ترس از راهزنان، مفقودی و ریسک‌های دیگری که بر حمل پول مترتب و متصور بوده، بازرگانان را وادار می‌نمود تا در قالب کاروان‌هایی اقدام به سفر تجاری نمایند که دارای نگهدارانی برای مراقبت از اموالشان بوده و از طرفی رقبای تجاری ایشان نیز در همان سفر همراه آن‌ها می‌بودند. طبعاً هر دو مورد یادشده، نگهداران و همراهی رقبای ناخواسته هزینه‌هایی علاوه بر مفقودی را بر حمل و انتقال پول تحمیل می‌نموده است.

### ج) هزینه تبدیل دارایی

نوع دیگری از هزینه‌های معاملاتی که در بازار تجارت و پول بدون واسطه متصور می‌باشد، هزینه مترتب بر تبدیل دارایی‌های غیرنقدی به دارایی نقدی است. اشخاصی که پول خود را به بازرگانان قرض می‌دادند در حقیقت دارایی‌های نقدی خود را به طلب از بازرگانان تبدیل می‌نمودند. از سوی دیگر، بازرگانان نیز با پول‌های قرض گرفته شده مبادرت به خرید کالا می‌نمودند. در این میان، در صورت نیاز وام‌دهنده به نقدینگی پیش از سررسید قرض مذکور، تبدیل فوری دارایی غیرنقدی بازرگان به دارایی نقدی در بازار باریسک و هزینه بالایی همراه بود. بازرگانان نیز برای بازگرداندن وجوه قرض گرفته شده یا معاملات جدید، ناچار بودند تا زمان فروش تمامی کالاها و مال‌التجاره خود و تبدیل آن به نقدینگی منتظر مانده یا اقدام به قرض مجدد نمایند.

### ۳-۲. پیدایش واسطه‌ها در بازار پول و نقش آن‌ها در کاهش هزینه‌ها

پیش از ظهور شرکت‌های کنونی - که شکل تکامل یافته‌ای از واسطه‌گری مالی ساختاریافته است - و قبل از آنکه اتحادیه‌های صنفی نوعی مبتدی از شرکت‌های امروزی را ایجاد کنند، افراد و گروه‌های تجاری که تجارت مبنای کار اصلی آن‌ها بود، با استفاده از پشتوانه دولت‌ها چتری برای فعالیت‌های تجاری فردی قلمداد می‌شدند (باقری، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۸) و به نحوی واسطه‌گری فردی یا جمعی را پیش می‌بردند. با تکامل پدیده شرکت و حقوق شرکتی، و به‌فراخور سرشت جدید سرمایه‌گذاری منابع مالی از جهاتی چون ساختار جدید اجتماعی، تغییر در هزینه‌های مبادلاتی و... (باقری و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۸) نقش واسطه‌ها نیز ارتقاء یافته که نهایتاً منجر به عبور از واسطه‌های فردی (غیرشرکتی) به واسطه شرکتی (بانک) و تبدیل فرصت نگهداری مستقیم دارایی توسط اشخاص به فرایندی رقابتی در بازار گردید (Diamond & Dybvig, 1986: 58-59). در این مقال جایگاه این قبیل واسطه‌ها و مبنای تشکیل واسطه شرکتی (بانک) را بیان نموده و نقش آن در کاهش هزینه‌ها را تحلیل می‌کنیم.

#### ۳-۲-۱. واسطه‌های فردی (غیرشرکتی)

**الف) دلالت:** وجود هزینه‌های اشاره شده در بازار پول موجب بروز واکنش از طرف فعالان این بازار و تلاش برای کاهش هزینه‌ها گردید. شاید بتوان نخستین راهکار کاهش هزینه‌های مبادلاتی

در بازار پول را دلالتان یا واسطه‌ها معتبر دانست. این افراد که با توجه به نفوذ و اعتبار خود دارای اطلاعاتی درباره طرف عرضه و تقاضای پول بودند، سعی در انعقاد قرارداد میان طرفین می‌نمودند و بدین وسیله هزینه‌های کسب اطلاعات را کاهش می‌دادند. از سویی دیگر، وجود چنین واسطه‌هایی تا حدودی هزینه‌های مذاکره و انتخاب شخص مناسب را نیز کاهش می‌داد. با این وجود، حق الزحمه یا کارمزدی که این دلالتان برای انعقاد معامله از طرفین می‌ستانند به نحوی بخشی از هزینه‌های کاهش یافته را پوشش می‌داد و به‌رغم تسریع در انجام مبادلات، هزینه‌های مبادلاتی به نحو مطلوب کاهش نمی‌یافت و نرخ بهره در بازار پول همچنان بالا می‌ماند.

**ب) صرافان:** مورد دیگری که می‌توان از آن به‌عنوان واسطه فردی در بازار پول نام برد و در واقع آن را شکل تکامل یافته واسطه‌های معتبر دانست، صرافی‌ها هستند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۶۷). اگرچه کار اصلی صراف‌ها تبدیل پول‌های رایج به یکدیگر (به‌خصوص تبدیل طلا به نقره و نقره به طلا) و سنجش عیار فلزات قیمتی بود، لکن این گروه نیز -به‌عنوان بخشی از فعالان بازار پول و اشخاصی که با جلب اعتماد مردم و صدور اسناد تعهد توانستند امانت‌دار اموال تجاری شوند و حجم نقدینگی بالایی را نزد خود جمع‌آوری نمایند- اقدام به وام‌دهی به تجار و کسب سود از این طریق می‌کردند (فشاهی، ۱۳۶۰: ۲۴۱). هرچند فعالیت صرافان شامل مواردی از قبیل خرید و فروش برواتی، ارسال (نقل و انتقال) وجوه و حواله‌جات، نقد کردن اوراق تجاری نیز می‌شد (شاهدی، ۱۳۸۷: ۱۸). اما عمل وام‌دهی توسط آن‌ها با توجه به شناخت ایشان از هم‌صنفی‌های خود و اعتباری که نزد یکدیگر داشتند سبب گردید تا تجار بدون نیاز به قرض پول فیزیکی و تحمل هزینه‌های حمل و جابجایی آن و صرفاً در قالب حواله‌های صادره از جانب صرافان کسب اعتبار نموده و با تحویل حواله‌های مذکور در مقصد و محل تجارت خود، پول را از صراف محالاً علیه دریافت کنند. این ابتکار و ابداع حواله از جانب صرافان منجر به کاهش برخی هزینه‌های مبادلاتی گردید که تا پیش از آن، اشخاص ناگزیر از تحمل آن بودند. از جمله هزینه‌هایی که در نتیجه فعالیت صرافی‌ها از شدت آن‌ها کاسته شد، می‌توان به هزینه‌های کسب اطلاعات و حمل و نقل پول اشاره کرد.

### ۲-۳-۲. واسطه شرکتی (بانک)

به موازات تکامل بازرگانی ناشی از ابزار مبادلاتی پول (شاهدی، ۱۳۸۷: ۲) و در پی تبلور و ارتقای سطح کارکردهای نهاد شخصیت حقوقی، شرکت‌های تجاری و وضع قانون شرکت‌ها تحولات عظیمی در ساحت حقوقی رخ داد که نهایتاً امکان تأسیس بانک را فراهم آورده است. تردیدی نیست که از لحاظ ساختارشناسی حقوقی، بانک ماهیتاً شرکت محسوب شده و تحت لوای قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها قرار می‌گیرد (باقری و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۷؛ Woodward, 1988: 688) از همین حیث، بانک را باید در عداد مترقی‌ترین نوع واسطه‌گری و وساطت مالی برشمرد (Fama, 1980: 39) که کاربست آن - در مقایسه با واسطه‌های رایج در ماقبل خود- از جهت کنترل و حاکمیت شرکتی در قبال حقوق و منافع ذی‌نفعان در نظام وصول و پرداخت، مدیریت سپرده‌ها و بدهی‌هاست (زنگی‌آبادی و علی‌حسینی، ۱۳۸۹: ۱۸).

### الف) مبنای تشکیل واسطه شرکتی

پیدایش واسطه‌های فردی و توسل به آن‌ها در بازار پول، اگرچه تا حدودی فعالیت‌های بازار پول را نسبت به قبل آسان‌تر نمود و برخی از هزینه‌های معاملاتی را پایین آورد، لیکن از آنجایی که پایه و اساس عملکرد چنین واسطه‌هایی نیز اتکا به انعقاد قرارداد و عمل در چنین قالبی بود، بسیاری از هزینه‌های مبادلاتی موجود در بازار به قوت خود باقی ماند. در فضای موجود، متقاضی پول برای تهیه مبالغ مورد احتیاج خود، همواره ناچار از رجوع به واسطه‌ها و انعقاد قرارداد با تحمل هزینه‌های مترتب بر آن بود. در واقع می‌توان چنین گفت که با وجود این واسطه‌ها همچنان تمامی انواع هزینه‌ها در بازار پول وجود داشت. برای مثال، تهیه میزان مشخصی از پول مورد نیاز که امکان تدارک آن توسط یک شخص وام‌دهنده وجود نداشت، مستلزم رجوع به چند واسطه (خواه دلالی که وام‌دهنده نهایی را معرفی می‌کرد، خواه صرافان متعددی که در مجموع مبلغ درخواستی را تهیه می‌نمودند) و انعقاد قراردادهای جداگانه بود. سازوکار ابداعی صرافان و صدور حواله نیز اگرچه تا حدودی راهگشا و کاهش‌دهنده هزینه بود، اما از چند جهت در بازار پول کارآمدی لازم را نداشت. نخست آنکه؛ کارمزدی که صرافان برای صدور چنین حواله‌هایی علاوه بر بهره پول از اشخاص می‌ستاندند،

قیمت تمام شده استقراض را افزایش می‌داد و هزینه کسب پول را بالا می‌برد. دومین ایراد وارد بر صدور حواله، امکان عدم پذیرش و قبول قطعی آن توسط صراف محالاً علیه بود. و در آخر آن که؛ حتی با چنین سازوکاری نیز هزینه‌های تبدیل دارایی و پرداخت فوری طلب داین کاهش نیافته و همچنان برعهده فعالان بازار می‌ماند. نتیجه و پیامد باقی ماندن هزینه‌های مذکور و انجام مبادلات در بازار پول با هزینه بالاتر منجر به تشکیل شرکت‌هایی جهت تجمیع قراردادهای متعدد و راهبری و سازماندهی آن‌ها تحت مدیریت واحد گردید که شواهد تاریخی نیز بر ارزشمندی آن صحه گذاشته و در کنار اشاعه روش‌های بازرگانی معتبر، ایجاد منافع مولد و پرثمر، توزیع وجوه متناسب با شرایط حمل و نقل و مسافت‌های پیش روی را از عواید مثبت بانک اعلام می‌کنند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۵۵۰-۵۵۱ و ۵۵۷). پیدایش این شرکت‌ها در بازار پول در وهله نخست در امتداد سیر تکاملی حرکت از واسطه‌های فردی به صرافان و در گام بعدی تکامل صرافی‌ها و انجام فعالیت‌های مدون و سازمان یافته توسط آن‌ها، و در نهایت تشکیل بانک همسو با نظریه کاهش هزینه مبادلاتی بوده است. لذا به تعبیری می‌توان فعالیت بانکی را مهم‌ترین فعالیت در قالب شرکت در بازار پول دانست که به‌منظور کاستن از هزینه‌های معاملاتی ایجاد گردید.

### ب) کارکرد بانک در قالب شرکت و تأثیر آن بر کاهش هزینه معاملاتی

اگرچه با گذر زمان حرفه بانکداری نیز تغییرات و پیشرفت‌های بسیاری را تجربه کرده است، لیکن می‌توان ساختار کارکرد بانک را در ارائه سه نوع خدمات خلاصه نمود و تأثیر آن خدمات بر کاهش هزینه‌های معاملاتی را بررسی کرد. با نگاهی به ترازنامه بانک‌ها می‌توان خدمات ارائه شده توسط بانک را به خدمات دارایی<sup>۱</sup> خدمات بدهی<sup>۲</sup> و خدمات انتقالی<sup>۳</sup> تقسیم نمود.

در ترازنامه هر بانک، ستون بدهی بانک شامل سپرده‌های مشتریان و سهام مالکان است. از سوی دیگر، دارایی اصلی بانک وام‌های اعطا شده و اندوخته‌ها هستند. با توجه به دو مقوله مذکور، می‌توان چنین گفت که کارکرد اصلی بانک ایجاد موازنه میان دو مقوله دارایی و بدهی در راستای

- 
1. Asset Services
  2. Liability Services
  3. Transformation Services

انتقال ثروت است. (Fama, 1980: 39) خدمات دارایی که شامل ارزیابی، تضمین و نظارت می‌شود، مرتبط با اشخاصی (وام گیرندگان) است که از سرمایه بانک استفاده می‌کنند. خدمات بدهی نیز به پذیرندگان تعهدات (بدهی‌ها) بانک یعنی سپرده‌گذاران عرضه می‌شود که شامل نگهداری سپرده‌ها، تسویه مبادلات و تأمین نقدینگی در زمان درخواست مشتری است. مراد از خدمات انتقالی نیز تبدیل دارایی غیرنقدی به دارایی نقدی است. این خدمات اگرچه به‌طور مستقیم خدمتی به سپرده‌گذار یا وام‌گیرنده ارائه نمی‌دهد، لیکن برای بازگشت دارایی روش متفاوتی را با آنچه سپرده‌گذار می‌توانست در نگهداری مستقیم دارایی و تجارت با آن در بازار مبادله‌ای به کارگیرد در اختیار او می‌گذارد.

خدمات دارایی به نقش بانک‌ها در جمع‌آوری اطلاعاتی اشاره دارد که هزینه تهیه آن برای عموم مردم بسیار بالاست. چنین اطلاعاتی را می‌توان با توجه به کاربرد آن‌ها به دو دسته عمده تقسیم نمود. نخست؛ اطلاعاتی که در ارزیابی وام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و مانع کژگزینی یا منحرف شدن انتخاب درست می‌شود و دسته دیگر، اطلاعاتی که در نظارت بر وام‌گیرندگان کاربرد داشته و مانع پیشامد و رخدادهایی همچون ریسک نکول خواهد شد. در فرض وجود نداشتن بانک، قرض پول در بازار هزینه‌هایی را بر وام‌گیرنده و وام‌دهنده تحمیل می‌کند. وام‌دهندگان به‌منظور اطمینان از بازگشت وام باید اطلاعاتی برای ارزیابی آن و نظارت بر قرض‌گیرنده داشته باشند تا در انتخاب خود دچار اشتباه نگردند. دستیابی به چنین اطلاعاتی در صورت ممکن بودن برای وام‌دهنده، مستلزم صرف هزینه است. مضاف بر اینکه اگر تعداد وام‌دهندگان خرد در بازار زیاد باشد ممکن است برخی بدون تحمل هزینه‌های مذکور از اطلاعات کسب شده توسط سایرین به‌طور مجانی بهره‌مند و منتفع گردند. در این صورت، بی‌گمان وام‌دهندگان درصدد جبران هزینه تحصیل اطلاعات برآمده و با بالا بردن نرخ بهره به اهداف مدنظر خود نائل می‌گردند. از سوی دیگر، وام‌گیرنده نیز برای پیدا کردن وام‌دهنده متحمل هزینه کسب اطلاعات می‌گردد. صرف این هزینه و نرخ بهره یا سود بالا سبب گران شدن قرض و استقراض در بازار گردیده و بازار پول را با ریسک‌ها و مخاطراتی مانند نکول و عدم بازگرداندن وام توسط وام‌گیرنده مواجه می‌نماید. این در حالی است که قرض از

بانک برای وام‌گیرنده و وام‌دهنده هزینه کمتری دارد؛ چراکه بانک با درونی‌سازی بسیاری از هزینه‌های مورد اشاره آن‌ها را حذف نموده و یا به حداقل رسانده است. البته این که بنا به ملاحظات تاریخی، تأسیس بانک منجر به کاهش هزینه‌های مبادلاتی گردیده، به معنای بدون هزینه بودن فعالیت بانک‌ها نیست و سیستم بانکی در جای خود با هزینه‌ها، ریسک‌ها و مخاطرات خاصی روبه‌روست که از جمله آن‌ها، هزینه‌های ناشی از بنگاهداری توسط بانک‌ها، خلق بیش از حد اعتبار، چاپ و انتشار نادرست پول و اسکناس یا نزاع میان حکومت بانكداری بدون ربا و بانكداری ربوی می‌باشد که بحث از آن‌ها در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد.

همان‌طور که اشاره شد، مهم‌ترین خدماتی که بانک در بخش مربوط به تعهدات خود ارائه می‌دهد سپرده‌پذیری و ارائه وجه نقد هنگام درخواست مشتری و تسویه مبادلات است. در حالی که دستیابی به نقدینگی و پس‌انداز شخصی و خارج از بانک برای افراد با توجه به ریسک‌های احتمالی مانند سرقت، مفقودی و عدم دسترسی به موقع به نقدینگی از یک سو و عدم تسویه مبادلات از سوی دیگر موجب بالا رفتن هزینه‌های تجارت می‌گردد.

خدمات انتقالی که از آن به تبدیل دارایی‌های غیرنقدی به دارایی نقدی یاد می‌شود به این موضوع اشاره دارد که در جریان عمل استقراض، دارایی‌های نقدی یا نقد شونده اشخاص به بدهی یا همان دارایی غیرنقدی تبدیل می‌گردد. در بهترین حالت، مفروض به اینکه موارد مرتبط با تضمین و نظارت به خوبی انجام گردد و وام‌دهنده از بازگشت سرمایه خود در موعد یا سررسید وام مطمئن باشد، در صورت نیاز وام‌دهنده به نقدینگی پیش از سررسید تبدیل دارایی غیرنقدی او به دارایی نقدی در بازار با ریسک و هزینه بالایی ممکن می‌باشد. بانک در این جریان به‌عنوان نهادی واسط نقش خود را با حذف وام‌دهندگان خرد و متعدد و تبدیل آنان به سپرده‌گذار ایفا می‌نماید و خود به‌عنوان وام‌دهنده مسؤلیت تبدیل دارایی غیرنقدی به دارایی نقدی را عهده‌دار می‌گردد. ارائه این خدمت توسط بانک علاوه بر کاهش نرخ تبدیل دارایی در بازار به توازن در تقسیم ریسک عدم تبدیل نیز کمک خواهد نمود. با توجه به ارائه خدمات مورد اشاره توسط بانک، می‌توان چنین گفت که بانک با این قبیل خدمات سبب کاهش یا حذف هزینه‌های مرتبط در بازار پول می‌گردد و میزان ایفای نقش ابزارهای حقوقی در توفیق این مهم به ساختارها و سازوکارهایی که ترسیم می‌نماید بستگی دارد. طبعاً - به

شریحی که در جای خود اشاره شد- و از این روی که هدف تشکیل بانک صرفاً جذب سپرده‌ها و وجوه مازاد اشخاص نیست و توسعه در سایر شقوق مبادله و تسهیل‌گری پولی مورد نیاز جامعه (خاوری، ۱۳۸۲: ۱۳۷ و ۱۴۹-۱۵۳؛ ۱۲۱: Caldararo, 2013)، ایجاد نقدینگی و واسطه‌گری خدمات مالی مبتنی بر دارایی و انتقال ثروت براساس موازین اعتباری و اقتصادی دارد (Diamond & Dybvig, 1986: 57; Fama, 1980: 44).

تحقق هر سازوکاری در ارتباط با مؤسسات بانکی، از نهاد شرکت و بستر حقوق شرکت‌ها نشأت می‌گیرد. چراکه حقوق شرکت‌ها با فراهم آوردن موازین و قواعد مناسب درصدد است تا از طریق به حداقل رساندن هزینه‌های مبادلاتی، زمینه تحقق کارایی و تخصیص منابع به بهترین شکل را فراهم نماید و همین خصیصه از اصلی‌ترین وجوه کارآمدی شرکت و حقوق شرکت‌هاست. (طوسی، ۱۳۹۳: ۸۵، ۱۴۲ و ۲۶۲).

### ۳. ارزیابی پیدایش بانک در بازار پول ایران

تفکر تشکیل بانک در ایران در زمان صدارت میرزا حسین‌خان سپهسالار قوت گرفت.<sup>۱</sup> در آن سال‌ها پیشنهادهایی برای تأسیس بانک از جانب کشورهای انگلیس، فرانسه و اتریش به ایران ارائه شد. اگرچه دولت پیشنهاد فرانسوی‌ها را قبول نمود (آدمیت، ۱۳۵۶: ۲۹۹)، اما عدم پذیرش ارائه تضمین مبنی بر مصونیت اندوخته‌های بانکی در مقابل اعمال دل‌خواهی مراجع قدرت سبب به تعویق افتادن مذاکرات و نهایتاً عدم تعقیب آن گردید (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۶: ج ۲، ۷۶). به هر صورت، مذاکرات صورت گرفته در مجلس مذکور و توضیحات داده شده درخصوص اهمیت تشکیل بانک

۱. میرزا حسین‌خان برای رسیدگی به موضوع، کمیسیونی در جمادی الاول ۱۲۸۹ تشکیل داد که ریاست آن با اعتضادالسلطنه وزیر علوم بود. اعضای کمیسیون را چند تن از وزرا، اشخاص دیوانی و دو نفر از بازرگانان مطرح آن زمان یعنی حاجی احمد تاجر و حاج محمدحسن امین‌الضرب تشکیل می‌دادند. میرزا حسین‌خان، میرزا ملکم‌خان را که مشاور صدارت عظمی بود به‌عنوان مخبر کمیسیون تعیین کرد، تا درباره معنی و مفهوم بانک به اعضای کمیسیون توضیح دهد و هر جا اشکالی بود برطرف سازد. (برای مطالعه فروع و جهات تشکیل کمیسیون مورد نظر، ر.ک: (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۶: ج ۲، ۹۳-۹۸؛ شاهدی، ۱۳۸۷: ۵۸-۶۲). همچنین، برای ملاحظه بخشی از گفت و شنود کمیسیون مزبور و برخی وقایع اولیه در فرایند ایجاد بانک در ایران، ر.ک: (آدمیت، ۱۳۵۶: ۳۰۰-۳۱۶؛ اصیل، ۱۳۹۴: ۲۱۱-۲۳۴).

حاکمی از وجود یک مسأله و دغدغه یعنی بالا بودن هزینه‌های تجارت و تأمین مالی انفرادی در بین دولتمردان آن زمان است. لذا در ذیل این گفتار با توجه به مطالب پیشین، هزینه مبادلاتی ناشی از فقدان بانک با توجه به استدلال‌های مطرح شده در مجلس متولی تأسیس نهاد مورد نظر تشریح می‌گردد تا نشان داده شود اگرچه بیگانگان از این ضرورت و نیاز در بازار پول ایران بهره بردند و با دخالت در روند تشکیل بانکی ایرانی مانع وقوع اهداف اصلی گردیدند و آنچه مطابق خواسته خود می‌دانستند را به دربار ایران تحمیل نمودند، اما ضرورت تشکیل بانک در ایران پیش از آن که برخاسته از اغراض و اهداف سیاسی بیگانگان باشد، ناشی از هزینه‌های بالای تجارت بوده است که دخالت بیگانگان سرنوشت این مهم را به بیراهه سوق داد و فارغ از میزان تحقق اهداف واقعی تشکیل بانک در کشور، هزینه‌های دیگری را نیز تحمیل نمود.

ناگفته نماند که فارغ از نواقصی که در سطوح مختلف دادوستد تجاری آن زمان توجیه‌گر لزوم حضور بانک‌های خارجی بود (کرزن، ۱۳۷۳: ج ۱، ۶۱۳)، عدم تشکیل بانک در ایران و فقدان نتیجه مطلوبی که با ملاحظات و ضروریات بومی مقارن باشد، به عوامل دیگری مثل فقر ساز و کار مناسب در رابطه با شخصیت حقوقی و ساختار حقوق شرکت‌ها نیز بازمی‌گردد. چراکه لازمه تأسیس و فعالیت بانک و بانکداری، برخورداری از پشتوانه‌های حقوقی لازم از جمله ظرفیت شرکت و حقوق شرکت‌هاست، به نحوی که کسب و کار تجاری را حمایت و تسهیل نماید. این اقتضاء از آن دست ضروریاتی است که خصوصاً با گذشت سال‌های متمادی از بازه تاریخی شکل‌گیری بانک در ایران محسوس‌تر می‌نماید. مضاف بر اینکه، حضور روزافزون بانک‌ها و توسعه بانکداری در سطوح مختلف اقتصادی مؤید این حقیقت و ظرفیت خواهد بود که الگوی فعالیت‌های تجارتمندی و اقتصادی که زاینده فرایند بازار است، نتیجه هماهنگی فعالیت فعالان با یکدیگر بوده و در این فرایند بسیاری از فعالان بازار تحت لوای ساختار شرکتی - به‌عنوان موتور محرک و شتاب دهنده اقتصاد - شاکله این فعالیت‌ها را شکل داده و دنبال می‌نمایند (ر.ک: باقری، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۵). بنابراین، مبرهن است که در آن زمان درک درستی از ماهیت و طبیعت تجاری - اقتصادی شرکت وجود

نداشته و - به هر دلیل<sup>۱</sup> پتانسیل‌های فعالیت شرکتی فراهم نبوده و یا با سطحی نازل همراه بوده است. از این منظر - در پی تحولات تاریخی مابعد تأسیس بانک در کشور- دلالت و مثال نازل یا مفقود بودن این قبیل امور در آن مقطع، بانک‌هایی هستند که هم اکنون حلقه و واسطه میان کلیه فعالیت‌های اقتصادی شده و به پشتوانه ساختار شرکتی خود تصور اقتصاد بدون بانک را محال و دشوار کرده‌اند.

### ۱-۳. هزینه‌های بلااستفاده ماندن منابع مالی و عدم جریان نقدینگی

ملکم‌خان در مذاکرات خود با نمایندگان حاضر در کمیسیون مذکور، وظایف بانک را چنین خلاصه می‌نماید: «کار اول بانک این است که قرض می‌دهد و کار دوم بانک این است که هر کس به بانک اطمینان به هم رساند و به میل خود پول قرض بدهد بانک می‌گیرد و منفعت می‌دهد با رضای طرفین» (اصیل، ۱۳۹۴: ۲۱۹).

در بیان این مطالب آنچه مورد توجه واقع گردیده، دو کارکرد اولیه بانک یعنی خدمات دارایی و بدهی می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد، سپرده‌پذیری و تسویه مبادلات تجاری طرفین و تأمین نقدینگی به درخواست مشتری خدماتی است که بانک در بخش مربوط به بدهی ارائه می‌دهد و ارزیابی، تضمین و نظارت بر وام‌ها خدمات مرتبط با دارایی می‌باشند. با دقت در مذاکرات مزبور مشخص می‌گردد که دو نوع خدمت بانک یعنی سپرده‌پذیری و وام‌دهی در آن زمان مورد توجه مذاکره‌کنندگان تشکیل بانک بوده است. اگر قائل به این فرض باشیم که انجام این خدمات در آن دوره توسط صرافان یا مردم عادی نیز میسر و ممکن بوده است، لزوم اهمیت بیان این موضوع به‌عنوان نقش بانک را باید ناشی از آن دانست که دستیابی به چنین خدماتی از طریق روش‌های دیگر برای متقاضیان پول پرهزینه بوده است. دلیلی که می‌توان برای چنین ادعایی مطرح کرد، پنهان بودن سرمایه‌های بلااستفاده است. حتی اگر مردم در صورت وجود نداشتن بانک حاضر به وام‌دهی به یکدیگر با نرخ بهره‌ای مشابه حالت وجود بانک بودند، هزینه‌های پیدا کردن قرض‌دهنده، انعقاد قرارداد قرض و ارائه تضمین مناسب و مطلوب قرض‌دهنده، هزینه‌هایی مازاد بر خدماتی می‌بود که

۱. برای مطالعه درخصوص علل عدم ظهور مفهوم شرکت در ایران و تحولات مرتبط با آن، ر.ک: باقری، ۱۳۹۰: ۵۹-۷۶

بانک‌ها در فضایی شفاف‌تر و از پیش تعیین شده امکان ارائه آن را داشتند. ضمن اینکه موضوع بلااستفاده ماندن منابع مالی از دید مذاکره‌کنندگان مذکور نیز مغفول نمانده است و ناظم‌الملک در این خصوص چنین بیان می‌دارد: «فایده دیگر این که در ایران پول اکثر مردم بیکار و معطل است در پیش اهل همین مجلس البته یک کرور پول هست که به کلی عاطل مانده است. اگر بانک بود این پول‌های معطل مایه هزار نوع آبادی می‌شد، هم آن‌هایی که پول خود را به بانک قرض می‌دادند و هم آن‌هایی که از بانک پول قرض می‌گرفتند منفعت می‌بردند. به واسطه نبودن بانک کمتر کسی پول خود را می‌تواند نگاه بدارد» (همان: ۲۲۴).

### ۲-۳. هزینه‌های تبدیل دارایی

تبدیل دارایی‌ها یا همان خدمات انتقالی که از آن به‌عنوان کارکرد سوم بانک یاد گردید، از موارد مهمی است که در توجیه ضرورت تشکیل بانک مورد استناد کمیسیون مذکور قرار گرفته و در این باره چنین اظهار شده است که «یک تاجر که ده هزار تومان ابریشم می‌خرد باید منتظر باشد تا ابریشم او به اسلامبول یا لندن برسد، از آنجا امتعه فرنگ خریده شود و بعد از یک سال در تبریز یا در تهران فروخته شود تا پول به دست او بیاید در صورتی که اگر بانک باشد آن تاجر می‌تواند ده هزار تومان را در همان یک سال سه چهار دفعه با مال تجارت به لندن بفرستد و برگرداند ... تجار فرنگ که در همه جا از تجار ما پیش هستند و تجار ما را مغلوب می‌نمایند و بلکه معدوم نموده‌اند به واسطه همین بانک است که به آن‌ها هزار قسم فایده می‌بخشد و بیچاره تجار ما هیچ چیز ندارند» (همان: ۲۲۵). این اظهارات صریحاً به بالا بودن هزینه‌های نقدشوندگی دارایی‌های غیرنقدی اشاره نموده و برای حل این معضل استفاده از خدمات تبدیل دارایی بانک را پیشنهاد داده است. در واقع آنچه در جریان این امر اتفاق می‌افتد انتقال طلب (دارایی غیرنقدی) تاجر به بانک و دسترسی به نقدینگی است.

### ۳-۳. هزینه حمل و نقل پول و نگهداری آن

همان‌طور که اشاره شد، از دیگر مشکلاتی که در صورت فقدان بانک امکان بروز آن در نظام پولی متصور می‌شود، هزینه‌های نگهداری از وجوه نقدی و حمل و نقل آن‌ها می‌باشد، در حالی که تأمین نقدینگی به درخواست مشتری، از جمله خدماتی است که بانک در قالب خدمات بدهی ارائه

می‌دهد. در واقع بانک در جریان برقراری توازن بین خدمات سپرده‌پذیری و وام‌دهی همواره مقادیری وجه نقد نزد خود نگهداری می‌نماید تا در صورت رجوع صاحبان سپرده امکان بازپرداخت به ایشان مقدور باشد. از سوی دیگر، بانک‌ها با ایجاد ارتباط بین شعب خود یا با توجه به اعتبارشان نزد سایر بانک‌ها این امکان را فراهم می‌نمایند که مستندات صادره از جانب ایشان نزد سایر شعب یا بانک‌های دیگر معتبر بوده و به محض ارائه آن به دارنده وجه نقد پرداخت گردد. با توجه به این که چنین خدماتی هزینه‌های نگهداری نقدینگی و حمل و نقل آن را کاهش خواهد داد، در جریان تشکیل بانک در ایران نیز مورد توجه واقع گردیده و استدلال شده که زمانی که بانکی وجود نداشت، مردم برای خرید یک کالا در نقاط دیگری از کشور یا در کشور دیگر با مشکلات و خطرات حمل و نقل پول مواجه بودند. بنابراین در کارکردی که برای بانک در نظر گرفته شده، این طور تفسیر نموده‌اند که بانک‌ها باعث می‌شوند که «هر کس به میل خود به بانک اعتبار کرده پولی قرض بدهد، بانک تمسکی می‌دهد که بی‌اسم و بی‌وعده است. مثلاً بانک از شما هزار تومان پول می‌خواهد اگر دادید او هم عوض اینکه بنویسد من که فلانم به نظام‌الدوله هزار تومان مقروض هستم و در فلان وعده می‌دهم، می‌نویسد یک تمسکی به این مضمون که هر کس این تمسک را هر وقت بیاورد من بلا تأمل هزار تومان که قرض من است [به او] خواهم داد، این نوشته را تمسک بانک و تمسک بی‌اسم و بی‌وعده می‌گویند» (همان: ۲۱۹). پس بنا به استدلال مذکور می‌توان گفت با تشکیل بانک و اعتماد مردم به آن، هم سرمایه مردم به سمت بانک‌ها سرازیر می‌شود و هم خطراتی که برای حمل و نقل پول متصور است از بین می‌رود.

#### ۴-۳. هزینه‌های تجارت انفرادی و اهمیت تجارت شراکتی

در جریان مذاکرات کمیسیون مورد اشاره برای بیان اهمیت تشکیل بانک، نظام‌الدوله نخست نقش تجارت شرکتی را مورد اشاره قرار می‌دهد و در تشریح ساختار بانک نیز آن را به دو گونه بانک انفرادی و شراکتی تقسیم نموده و بیان می‌نماید که: «بانک انفرادی آن است که شخص به تنهایی یک بانک داشته باشد و بانک شراکتی آن است که سرمایه آن حصه به حصه مال جمعی باشد» (همان: ۲۱۶). وی با بیان این موضوع که امکان تشکیل بانک انفرادی در ایران وجود ندارد، سعی

در تبیین ساختار و کارکرد بانک شراکتی نموده و بیان می‌دارد: «از برای فهمیدن این مطلب اول باید چند کلمه از ترتیب این شرکت‌ها عرض کنم. وقتی یک شخص فرنگی می‌بیند که در فلان جا، معدنی است که اگر کار بکند فلان قدر خرج و منفعت خواهد داشت، در این صورت چنین شخصی تصمیم می‌گیرد چند نفر از صراف‌های معتبر را از این خیال خود مطلع سازد و بعد از آن که آن‌ها را معتقد خیال خود کرد به اتفاق یکدیگر روی دو سه هزار ورق کاغذ می‌نویسند: دارنده این کاغذ ده تومان به ما داده و با ما شریک است از برای کار کردن در فلان معدن. هرگاه مردم به دیانت و درست‌قولی این چند نفر صراف اعتماد دارند فی‌الوقت این دو سه هزار ورق کاغذ را می‌خرند و آن وقت همه آن اشخاص که کاغذها را خریده‌اند در یک جا جمع می‌شوند و چند نفری را رئیس خود قرار می‌دهند و اسم آن مجمع را کمپانی می‌گذارند. هرگاه مردم به قول آن‌ها اعتماد ندارند کاغذهایی که چاپ کرده‌اند فروخته نمی‌شود و کمپانی که در نظر بود، احداث نمی‌شود. این شراکت‌ها، شراکت‌های بی‌اسم است» (همان: ۲۱۶).

آنچه در گفته‌های مذکور حائز اهمیت است، توجه به لزوم تشکیل شرکت و ناکارآمدی مکانیزم قیمت‌ها در بازار می‌باشد. بدین توضیح که اگر فعالان اقتصادی یا تجاری آن دوره تأمین منابع مالی لازم از بازار را به صلاح و صرفه می‌دانستند یا به عبارتی قیمت قرض و استقراض در بازار مناسب با فعالیت اقتصادی بود، به جای تشکیل شرکت و سهام نمودن صاحبان سرمایه در سود حاصل از فعالیت خود راهکار قرض مستقیم را انتخاب می‌نمودند. اتحاد صرافان با فعالان اقتصادی و تشکیل شرکت برای تأمین منابع مالی نشان از بالا بودن هزینه قرض مستقیم دارد. راهکار تجارت شراکتی امروزه نیز در تأمین مالی پروژه‌ای کاربرد دارد، لیکن اتحاد صرافان جای خود را به سندیکای بانک‌ها داده است و منابع حاصل از پروژه ضمانت وام اخذ شده قرار می‌گیرد.

### ۳-۵. هزینه‌های مرتبط با امورات دولتی

از دیگر هزینه‌های موجود در بازار پول ایران در زمان مدنظر که به آن اشاره گردیده است، هزینه امورات دولتی و دربار آن زمان است. اگرچه امورات مذکور هزینه‌های متفاوتی با آنچه در موارد پیشین ذکر گردید، ایجاد نمی‌نماید، لیکن با توجه به میزان بالای هزینه ایجاد شده مورد توجه

قرار گرفته است. در واقع می‌توان چنین گفت که هزینه‌های این بخش نیز همان هزینه‌های نگهداری، انتقال، جابجایی و تبدیل دارایی است، اما از آنجایی که حجم نقدینگی در اختیار دولت بسیار بیشتر از میزان موجود نزد مردم بوده است، هزینه‌های مرتبط با آن به‌عنوان عامل مهمی برای تشکیل بانک مطرح شده و چنین استدلال گردیده است: «در امورات دولت چه زمانی که با خارج مبادله و مراد می‌کند و چه زمانی که امورات داخلی خود را انجام می‌دهد، نقش پررنگ و تأثیرگذاری دارد. مثلاً هر سال دولت به جهت مواجب‌آمورین خود و به جهت بعضی خریدهای دولتی مجبور است مبالغ معینی به خارج بفرستد وزیر خارجه خوب می‌داند برای فرستادن پول به خارج چه زحمت و تضییع وقت و ضرر و رسوایی به ما وارد می‌آید به‌واسطه وجود بانک همه این مشکلات و معایب رفع می‌شود و به یک تلگراف هر قدر پول بخواهند به هر جا از دنیا می‌فرستند. یا در جهت پرداخت حقوق کارکنان دولت باز هم نقش مؤثری دارد» (همان: ۲۲۳).

#### ۴. نتیجه‌گیری

وجود هزینه‌های مبادلاتی بالا را می‌توان عامل اصلی کندی سرعت مبادلات در یک بازار و همچنین تعداد اندک آن‌ها دانست. اگر معتقد به ضرورت وجود مبادله به‌عنوان ابزاری برای انجام کار و خلق و کسب ثروت در نتیجه رفاه افراد باشیم، آن‌گاه باید چنین گفت که تحمیل هزینه انجام مبادله بر طرفین عرضه و تقاضا سبب ناکارایی بازار گردیده و فعالان آن را به یافتن راهکاری به‌منظور رفع علت ناکارآمدی وامی‌دارد. نظریه کاهش هزینه مبادلاتی علت اصلی تشکیل شرکت را تجمیع مبادلات واسطه‌ای و حذف یا پایین‌آوردن حداکثری هزینه انجام مبادلات در قالب ایجاد نظام کارآمد سازمانی می‌داند. از دیدگاه این نظریه، تشکیل شرکت سبب درونی‌سازی هزینه بسیاری از مبادلات خرد و میانی لازم برای وقوع مبادله نهایی خواهد شد. در بازار پول نیز چنین تجمیعی در قالب ایجاد بانک روی می‌دهد و پیدایش بانک در ساحت حقوقی شرکت براساس نظریه کاهش هزینه مبادلاتی بوده است. بانک به‌عنوان یک شرکت که فعالیت سازمانی منسجم و تحت مدیریت شخص یا گروه اشخاص را انجام می‌دهد از ایجاد یا افزایش بسیاری از هزینه‌ها در بازار پول جلوگیری می‌نماید. مهم‌ترین و عمده‌ترین زمینه کاهش هزینه مبادله به‌واسطه تشکیل بانک، کاستن

از هزینه اطلاعات و فروکاهیدن مشکلات نقل و انتقال پول است که منجر به بروز انتخاب معکوس یا مخاطرات ناشی از اعمال طرفین قرارداد و ایفای تعهدات آن‌ها می‌گردد. از دیگر هزینه‌هایی که با پیدایش یک بانک در بازار پول کاهش می‌یابد یا به‌طور کلی حذف خواهند شد، می‌توان به هزینه تبدیل دارایی و هزینه‌های نقل و انتقال فیزیکی و نگهداری از پول اشاره کرد.

بازار پول ایران نیز قبل از پیدایش بانک در آن، نه تنها از وجود چنین هزینه‌هایی مستثنی نبوده، بلکه مستندات تاریخی گواه آن است که فعالان بازار و عوامل دولتی بر وجود چنین هزینه‌هایی اشراف داشته و درصدد حذف آن‌ها نیز بوده‌اند. بی‌گمان بازرگانان یا دولت‌های خارجی که بازار تجاری ایران را در آن زمان مستعد سودآوری فراوانی می‌دانستند، به‌منظور حداکثرسازی منافع خود در آن بازار به طرق گوناگون سعی در حذف هزینه‌های تجاری می‌نمودند و از همین روی با تمسک به قدرت دولت‌های استعماری متبوع خود امتیاز انجام امور تجاری و زمینه کاهش هزینه‌های این امور و حداکثرسازی سود خود را از دربار ایران کسب می‌نمودند. با این وجود و علی‌رغم شیوه تشکیل بانک در ایران - که بیشتر بر سیاق و منوال فشارهای آزمندانه خارجی بود تا اینکه با محوریت ضروریات بومی و بهره‌مند ساختن نیازهای داخلی باشد - و سرنوشت تاریخی رفتارهای استعمارگرایانه و مبتنی بر خوی یکجانبه خارجی‌های مرتبط با این تأسیس، نمی‌توان اثر پیدایش بانک در بازار پول ایران بر کاهش هزینه انجام مبادلات را نادیده گرفت و وجوه مبتنی بر ضرورت‌های تجاری و اقتصادی را در ورای سیاهه‌های تاریخی به ورطه فراموشی سپرد. بنابراین، با شناخت بهتر از کاربست بانک بر بستر تحولات تاریخی، به نحو شایسته‌تری می‌توان کارکردهای حقوقی و اقتصادی آن را برای تحلیل هزینه-فایده‌های این پدیده مهم شناسایی و احصاء نمود. بدین ترتیب، مشخصاً و بنا به ملاحظات تاریخی، اینکه تأسیس بانک منجر به کاهش هزینه‌های مبادلاتی گردیده، به معنای بدون هزینه بودن فعالیت بانک‌ها در ساحت تحولات بعدی نیست و مسلماً سیستم کنونی بانکی در جای خود با هزینه‌ها، ریسک‌ها و مخاطرات خاصی روبه‌روست که از جمله آن‌ها، هزینه‌های ناشی از بنگاهداری توسط بانک‌ها، خلق بیش از حد اعتبار، چاپ و انتشار نادرست پول و اسکناس یا نزاع میان حکومت بانکداری بدون ربا و بانکداری ربوی می‌باشد که جنبه‌های هر یک

از آن‌ها در گرو شناخت جهات پیدایش بانک در بازار تجاری کشور بر پایه نظریه هزینه‌های معاملاتی خواهد بود.

## منابع

- اصیل، حجت‌الله (۱۳۹۴). رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۶). اندیشه ترقی و حکومت قانون: عصر سپهسالار، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- باقری، محمود (۱۳۹۰). نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی‌سازی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- باقری، محمود و جواد شیخ سیاہ (۱۳۸۹). "در جستجوی مطلوبیت: تحلیلی از قضیه کاوز در تعامل حقوق و اقتصاد"، فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۱۰۱، صص ۳۸-۱۹.
- باقری، محمود و محمد صادقی (۱۴۰۰). "مسائل و تبعات حقوقی بانکداری سایه"، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۶، شماره ۹۶، صص ۲۲-۱.
- باقری، محمود و همکاران (۱۳۹۵). رقابت و انحصار بین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری (ساختار مالکیت، شکل حقوقی و کارکرد)، تهران: انتشارات بورس.
- خاوری، محمودرضا (۱۳۸۲). حقوق بانکی، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- رفانی، محسن (۱۳۸۴). بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، چاپ دوم، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- زنگی‌آبادی، علی و رحمان علی حسینی (۱۳۸۹). "سیر تحول بانکداری از آغاز تا کنون"، ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۰، صص ۲۷-۱۷.
- سیداحمدی سجادی، سیدعلی (۱۳۸۷). "تحلیل شرکت از دیدگاه اقتصادی"، اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۱۱۶-۱۰۱.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۷). تاریخ بانک شاهنشاهی ایران (۱۸۸۱-۱۹۵۲). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- ظفری، علی (۱۳۸۷). "لغو امتیاز بانک شاهی"، پیام بهارستان، سال ۱، شماره ۱ و ۲، صص ۳۵۰-۳۲۹.
- طوسی، عباس (۱۳۹۳). تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها. تهران: شهر دانش.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران، چاپ دوم، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.

- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰). تکوین سرمایه‌داری در ایران. تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- کوزن، جورج. ن (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۶). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معتضد، خسرو (۱۳۶۶). حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران. تهران: انتشارات جانزاده.
- ناطق، هما (۱۳۷۱). بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشیو امین‌الضرب)، پاریس: انتشارات خاوران.
- نصیری اقدم، علی (۱۳۸۵). "اقتصاد هزینه مبادله"، جستارهای اقتصادی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۳۶۱-۴۱۵.

**Caldararo, Niccolo** (2013). "The Theory of Banking: Why Banks Exist and Why We Fear Them", *International Journal of Sociology and Anthropology*, Vol. 5(4), pp.116-132.

**Coase, R. H.** (1937). "The Nature of the Firm", *Economica, New Series*, Vol. 4, No.16. pp. 386-405.

**Diamond Douglas & Philip Dybvig** (1986). "Banking Theory, Deposit Insurence, and Bank Regulation", *The Journal of Business*, university of Chicago Press, vol. 59, pp.55-68.

**Fama Eugene F.** (1980). "Banking in the Theory of Finance", *Journal of Monetary Economics*, Volume 6, Issue 1, pp.39-57.

**Gerdes William D.** (2014). *Money and Banking*. New York: Business Expert Press, LLC.

**Jones Geoffrey** (1987). "The Imperial Bank of Iran and Iranian Economic Development 1890-1952", *Business and Economic History*, Vol. 16, Papers presented at the thirty-third annual meeting of the Business History Conference, Cambridge University Press, pp. 69-80.

**Woodward, Susan** (1988). "A Transaction Cost Analysis of Banking Activity and Deposit Insurance", *Cato Journal*, pp.683-699.